

نقش قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در تضمین حق بر آب^۱

مهناز رشیدی*

چکیده

امروزه حق بر آب به‌عنوان یکی از حق‌های بشری که ارتباط وثیقی با سایر مصادیق حقوق بشر، مانند حق حیات، حق بر بهداشت و حق بر استانداردهای مناسب زندگی دارد، به‌طور فزاینده‌ای در اسناد بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. به رسمیت شناختن این حق در گفتمان حقوق بشری، از یک‌سو، دولت‌ها را متعهد به عدم مداخله در دسترسی آزادانه انسان‌ها به آب ساخته و از سوی دیگر فراهم کردن تمهیدات تأمین آب و دسترسی آحاد جامعه به این ماده حیاتی را بر عهده آن‌ها می‌نهد. اگرچه متعهد اصلی اجرای تعهدات حق بر آب، ارکان و نهادهای اجرایی یک کشور هستند، لیکن نهادهای قانون‌گذاری و قضایی نیز برای تحقق کامل این حق وظایفی را بر عهده دارند. سؤالی که این پژوهش با هدف پاسخ به آن نگاشته شده آن است که قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در تضمین حق بر آب شهروندان ایرانی ایفا می‌کند؟ برآمد مطالعات توصیفی - تحلیلی در این نوشتار که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی حاصل شده، آن است که قوه قضائیه با وظیفه اصلی به‌پا داشتن حق و عدل و احیای حقوق عامه می‌تواند در سه حوزه کلی پیشگیری، نظارت و دادخواهی به تضمین حق بر آب اقدام نماید. اما عدم شناسایی صریح حق بر آب در قوانین داخلی، مهم‌ترین نقیصه‌ای است که تا حد زیادی دایره عملکرد این نهاد را نسبت به تضمین حق بر آب محدود کرده است.

واژگان کلیدی: احیای حقوق عامه، حق بر آب، حقوق بشر، قوه قضائیه

۱. این مقاله، برگرفته از گزارش پژوهشی نویسنده با عنوان «حق بر آب و نقش قوه قضائیه در تضمین آن» تحت نظارت علمی جناب آقای دکتر سیدحسین موسوی‌فر و جناب آقای دکتر مصطفی منصوریان در پژوهشکده قوه قضائیه است.

* استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)، تهران، ایران
mahnazrashidi88@gmail.com

مقدمه

اساسی بودن آب برای بقا و تداوم حیات انسان، وابسته بودن ابعاد مختلف تأمین نیازهای انسانی مانند بهداشت و غذا به دسترسی به آب پاک و ضرورت ایمنی از نبود آب، به موازات رشد صنعت و جمعیت، موجب جلب توجه جامعه جهانی به این نگرانی شد و نهایتاً مفهوم حق بر آب، به عنوان ضامن دسترسی انسان‌ها به آب سالم برای رفع نیازهای خود در اسناد بین‌المللی مختلف مطرح گردید. حق بر آب که در تعریفی کلی به عنوان حق همه افراد بشری بدون هر گونه تبعیض ناروا (بر مبنای جنسیت، نژاد، مذهب و دیگر عوامل)، بر دسترسی آسان به میزان کافی از آب پاک و سالم و در یک قیمت مقرون به صرفه دلالت دارد به جهت ارتباط اجتناب‌ناپذیر آن با سایر حقوق شناسایی شده از جمله حق بر حیات، حق بر سلامت و حق بر استانداردهای مناسب زندگی، الزام‌آور پنداشته می‌شود و دولت‌ها مکلف به تهیه و تضمین مؤلفه‌های اساسی این حق یعنی موجودیت آب، کیفیت آب، قابل دسترس بودن، قابل پرداخت بودن و عدم تبعیض هستند (رشیدی، ۱۳۹۹: ۱۷۷-۱۶۲).

اما با وجود میل سیاسی دولت‌ها در ایجاد الزام حقوقی در جهت تحقق حق بر آب، همچنان، بعد از گذشت چندین دهه از آغاز نگرانی‌های آبی، ۷۸۵ میلیون نفر در سراسر جهان، فاقد هر گونه دسترسی به خدمات ابتدایی آب آشامیدنی هستند و دو میلیارد نفر از آب آشامیدنی آلوده استفاده می‌کنند (Drinking-Water, 2019).

عدم دسترسی و یا دسترسی محدود انسان‌ها به منابع آبی، تبعات اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی بسیاری بر جای می‌گذارد. کاهش سطح رشد و توسعه اقتصادی، ناامنی‌های اجتماعی داخلی و بین‌المللی مانند افزایش مهاجرت و آوارگی و به تبع آن بالا رفتن آمار جرم و جنایت، گسترش فقر، شیوع انواع بیماری‌های واگیر و تنزل کیفیت محیط زیست از جمله اثرات منفی کم‌آبی در حوزه‌های گوناگون است (Albuquerque, 2013: 50-51). آنچه بیش از همه، نگرانی‌ها از کم‌آبی را افزایش می‌دهد، اثر آن بر امنیت و ثبات سیاسی دولت‌هاست. زیرا وقوع بحران آب در یک کشور و تشدید رقابت میان افراد و گروه‌های مختلف جامعه بر سر دسترسی بیشتر به این منبع ارزشمند، می‌تواند سطح نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی را افزایش دهد (Obani & Gupta, 2016: 208). چنان‌که نمونه‌هایی از این‌گونه تنش‌های آبی برهم زننده امنیت، در سطح کشورمان به صورت موردی در برخی استان‌های کم‌آب مانند اصفهان و خوزستان بروز یافته‌است.

اهمیت بررسی موضوع حق بر آب در ادبیات حقوقی کشورمان، زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم جمهوری اسلامی ایران در مرکز کمربند خشک جهان واقع شده و مطابق پیش‌بینی‌های صورت گرفته تا سال ۲۰۲۵ میلادی، بالاترین میزان خشکی را تجربه خواهد کرد (Ansink, 2009: 1). از این رو

در حالی که اغلب از نقش دولت در تأمین منابع آبی سخن‌های زیادی گفته و نوشته شده، اما «نقش قوه قضائیه در تضمین حق بر آب»، از موضوعاتی است که تاکنون در ادبیات حقوقی کشور مغفول مانده است. بر این اساس، سؤال بنیادینی که پژوهش پیش رو بر مبنای واکاوی آن بنا نهاده شده، به این قرار است: «قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در تضمین حق بر آب ایفا می‌کند؟» فرضیه این پژوهش آن است که قوه قضائیه به‌عنوان یکی از ارکان مهم حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران و با عنایت به مسئولیت اصلی آن در اجرای عدالت و احیای حقوق عامه، می‌تواند از طریق تمهیداتی در پیشگیری از نقض حق بر آب، نظارت بر اجرای صحیح آن و فراهم کردن امکان دادخواهی زیان‌دیدگان، به تضمین حق بر آب شهروندان ایرانی کمک نماید.

به‌منظور پاسخ به سؤال و ارزیابی فرضیه یادشده، ضمن توصیف جایگاه حق بر آب در نظام حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران، نقش قوه قضائیه در راستای تحقق این حق تشریح خواهد شد.

۱. جایگاه حق بر آب در نظام حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران

دولت جمهوری اسلامی ایران از زمان برپایی تاکنون به برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی دربردارنده حق بر آب مانند کنوانسیون حقوق کودک، بند ۲ ماده ۲۴ (۱۹۸۹)، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، بند ۲ ماده ۲۸ (۲۰۰۶) و میثاقین حقوق مدنی - سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) پیوسته است. علی‌رغم آنکه حق بر آب در میثاقین حقوق بشری به‌صراحت ذکر نشده است اما با تفسیری که از حقوق شناسایی شده در این دو سند مانند حق بر حیات، حق بر استانداردهای مناسب زندگی، حق بر بهداشت و حق بر مسکن ارائه می‌شود، این حق لازم‌الرعایه دانسته شده است. مصادیق حقوق بشری مذکور، هم از جهت تصویب میثاقین و ورود مفاد آنها به نظام حقوق داخلی و هم از باب امره بودن برخی از مصادیق حقوق بشر مانند حق حیات، و نیز از باب عرفی شدن اغلب حق‌های بشری توسط دولت ایران مورد پذیرش قرار گرفته است. از این رو، احترام و اجرای حق بر آب که یکی از بنیادی‌ترین شروط تحقق حقوق یاد شده است، به‌طور ضمنی، در زمره تعهدات ارکان حاکمیتی در برابر شهروندان ایرانی قلمداد می‌شود. در حیطه حقوق داخلی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این حق را مستقیماً مورد شناسایی قرار نداده و اصل ۴۵ قانون اساسی آب‌ها را از انفال و ثروت‌های عمومی دانسته است. با وجود این، حق بر آب را می‌توان از دیگر مصادیق حقوق بشری مذکور در قانون اساسی مانند حق بر مسکن مناسب با نیاز (اصل ۳۱) و به‌ویژه حق بر محیط زیست سالم (اصل ۵۰) استنباط کرد و دسترسی به آب را لازمه تحقق حقوق مزبور دانست. چنان‌که ذیل اصل ۵۰ قانون اساسی، فعالیت‌های اقتصادی و

غیر آن که با آلودگی محیط زیست و تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است و آب یکی از مهم ترین عناصر محیط زیست بوده و علاوه بر آن، خود نقش مهمی در رفع آلودگی ها دارد. همچنین بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف بر به کارگیری رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی کرده و بند ۱۲ این اصل، پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت را مقرر نموده است. آنچه مبرهن است آنکه بدون دسترسی به آب، اساساً نیل به این اهداف امکان پذیر نمی باشد. همچنین، بنا بر بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی، یکی از مبانی اساسی در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، تأمین نیازهای اساسی مانند خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده است. نظر به استفاده از اصطلاح «مانند»، این موارد حصری نبوده و می تواند نیاز به آب را شامل شود. افزون بر این، بند ۶ اصل ۴۳ قانون اساسی منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات را بیان می دارد. نظر به اینکه، آب، کالایی دارای ارزشی اقتصادی است، دولت باید راهکاری را به کار گیرد که به منظور تأمین استقلال اقتصادی، ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، در عین پیشگیری از اسراف در بخش آب، این کالای اساسی را به طور منصفانه تأمین و توزیع نماید. اصل ۴۸ نیز با بیان منع تبعیض در بهره برداری از منابع طبیعی در سطح استان ها می تواند در زمینه توزیع غیر تبعیض آمیز منابع آب در سطح کشور راهگشا باشد.

با وجود تصویب حجم زیادی از قوانین عادی در حوزه آب از جمله قانون آب و نحوه ملی شدن آن (۱۳۴۷)، قانون توزیع عادلانه آب (۱۳۶۱)، قانون تشکیل شرکت های آب و فاضلاب (۱۳۶۹) و قانون توسعه و بهینه سازی آب شرب شهری و روستایی در کشور (۱۳۹۴) و دیگر قوانین مربوطه، هیچ یک از آنها نسبت به شناسایی حق بر آب تصریح ندارند. ولی هر یک از این قوانین، تعهدات اجرایی برآمده از حق بر آب مانند تأمین و توزیع عادلانه آب، مدیریت مصرف، کنترل آلودگی منابع آبی و امثال این تعهدات را مورد نظر قرار داده اند.^۱

در سطح مصوبات قوه مجریه نیز، صرفاً ماده ۲ بیانیه ریاست جمهوری در منشور حقوق شهروندی، که دسترسی به آب بهداشتی را از موارد حق زندگی شایسته شهروندان و لوازم آن دانسته (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ماده ۲) به آب از بعد حقوق بشری نگریسته است. افزون بر این،

۱. برای مطالعه شرح تفصیلی قوانین در ابعاد مختلف حق بر آب، نک: رشیدی، ۱۴۰۰: ۳۶-۴۶.

حق بر آب از سایر حقوق مندرج در این منشور، نظیر حق بر رفاه عمومی (ماده ۸۶) و حق بر محیط زیست سالم (ماده ۱۱۳) هم قابل استنباط است.

ماحصل بحث آنکه اگرچه نظام حقوقی داخلی ایران مستقیماً به حق بر آب توجه نکرده است اما می‌توان الزام به اجرای این حق را از تکلیف دولت در مقابل سایر حقوق به رسمیت شناخته شده مرتبط استنباط کرد. در نظام مدیریت آب کشور ایران، منابع آبی به‌عنوان ثروت عمومی و انفال در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد اما این نافی حق افراد به بهره‌برداری و دسترسی به آب برای ادامه حیات و رفع نیازهای معیشتی نیست. حتی این نتیجه از قوانین آبی داخلی برمی‌آید که اگرچه مالکیت منابع آبی در اختیار دولت است اما شهروندان، از حق انتفاع دائمی از این منابع برخوردارند. هرچند قرار دادن مالکیت کلی منابع آبی در دست دولت می‌تواند به عادلانه‌تر کردن توزیع آب بین بهره‌برداران کمک کند، لیکن لازم است در راستای پیشگیری از سوءاستفاده دولت و پاسخ‌گویی آن در برابر شهروندان، حق بر آب در قوانین کشور مورد تصریح قرار گیرد.

۲. وظایف قوه قضائیه در راستای تضمین حق بر آب

تفسیر عمومی شماره ۱۵ توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که نخستین بار در سال ۲۰۰۲ حق بر آب را به رسمیت شناخت، بر وظیفه ثابت و مستمر دولت‌ها برای تحقق سریع و مؤثر حق بر آب تأکید می‌کند (CESCR, 2002: 18). مطابق این سند، الزامات کلی دولت‌ها در اجرای حق بر آب مانند هر حق بشری دیگری، تعهد به احترام، صیانت و تحقق است که برای عینیت بخشیدن به آن‌ها، تکالیفی اجرایی بر دوش دولت‌های حاکم نهاده شده است. با توجه به اینکه اغلب بخش‌های کشورهای بیابان‌ها و مناطق خشک دربرگرفته و میزان سرانه آب موجود در آن بسیار کمتر از استاندارد جهانی است، هر یک از ارکان حاکمیتی، ملزم به اجرای تعهداتی در راستای مدیریت منابع آبی موجود در کشور برای بهره‌مندی بدون تبعیض همگان از آب هستند. از جمله مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از: قانون‌گذاری و شناسایی حق بر آب، تأمین و توزیع عادلانه آب، کنترل کیفیت آب، مشارکت دادن عموم در مدیریت منابع آبی و دسترسی به عدالت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل ۱۵۶ قوه قضائیه را به‌عنوان قوه‌ای مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است پیش‌بینی کرده است. در راستای انجام این رسالت، یکی از مهم‌ترین وظایف این نهاد، نظارت بر حسن اجرای قوانین می‌باشد. چنان‌که ذکر شد بسیاری از تعهدات برخاسته از حق بر آب یعنی، تأمین و توزیع عادلانه آب، مدیریت مصرف، کنترل کیفیت منابع آبی و فراهم کردن بستر مشارکت عموم در قوانین و مقررات عادی و اجرایی آمده است. به این ترتیب نقش اصلی قوه قضائیه، به‌عنوان پشتیبان حقوق فردی و

اجتماعی، عمدتاً در تضمین اجرای صحیح این تعهدات از سوی نهادهای اجرایی نمود پیدا می‌کند (اقبال، ۱۴۰۰: ۶۳-۶۰).

از دیگر وظایف اصلی قوه قضائیه مطابق اصل مزبور، احیای حقوق عامه دانسته شده است. علی‌رغم عدم تعریف صریح اصطلاح «حقوق عامه» در قانون اساسی، برخی از اسناد و دستورات قضایی به تشریح آن پرداخته‌اند. معتبرترین این توصیفات در دستورالعمل ریاست قوه قضائیه در نظارت و پیگیری حقوق عامه صادره در سوم بهمن ماه ۱۳۹۷ آمده است. این سند، حقوق عامه را حقوقی دانسته که در قانون اساسی، قوانین موضوعه و یا سایر قوانین لازم‌الاجرا ثابت است و عدم اجرا یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا ضرر یا سلب امتیاز آنان می‌شود؛ از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری (دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، ۱۳۹۷: ماده ۱ (الف)).

در این چهارچوب، به نظر می‌رسد مفهوم حقوق عامه مدنظر قانون اساسی، حقوق عمومی است. یعنی حقوقی که در راستای حمایت از منافع عمومی و حقوق آحاد جامعه و نه یک شخص خاص بوده و دربردارنده روابط میان شاخه‌های مختلف دولت و روابط میان دولت و افراد و یا طرفین خصوصی است. به عبارت دیگر، آنجایی که دولت وظیفه یا تکلیفی را عهده‌دار است و نقشی را ایفا می‌کند، حقوق عمومی جریان دارد. مانند ارائه خدمات عمومی در جهت منافع عمومی (عباسی و همکاران: ۸۰). از آنجا که دسترسی به آب ماهیتی فرابخشی داشته و از عناصر ضروری تحقق حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی تلقی می‌شود و به تصریح اصل ۴۵ قانون اساسی، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی در زمره انفال و ثروت‌های عمومی قرار می‌گیرند، حق دسترسی عموم به آب را می‌توان یکی از حقوق عامه مندرج در اصل ۱۵۶ قانون اساسی در نظر آورد. نکته قابل ذکر آنکه تعهد به تضمین اجرای حق بر آب از سوی قوه قضائیه صرفاً محدود به مرحله دسترسی به عدالت و دادخواهی نمی‌شود، بلکه تأمل در منطوق اصل ۱۵۶ قانون اساسی و قوانین عادی مربوطه روشن می‌سازد که اقدام قوه قضائیه در این زمینه، در سه بعد پیشگیری، نظارت و دادخواهی عینیت می‌یابد.

۲-۱. پیشگیری

داشتن جامعه‌ای که نرخ انجام اقدامات ناقص حقوق بشر در آن محدود باشد، همواره از دغدغه‌های دیرین جوامع بشری بوده است. مطابق بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظیفه

پیشگیری از جرم بر عهده قوه قضائیه قرار دارد. نقض برخی از مصادیق حقوق بشری ممکن است دارای بعد کیفی بوده و در قوانین ایران جرم‌انگاری شده باشد. چنان‌که نقض حق حیات، حق مالکیت، حق بر امنیت فردی و اجتماعی و حق بر حریم خصوصی از آن گونه است. در رابطه با حق بر آب نیز محروم کردن دیگران از دسترسی به آب سالم برای مثال از طریق آلوده کردن عامدانه آب، مصرف بی‌رویه و نامعقول، سرقت آب از طریق انشعابات غیرمجاز و دیگر اقدامات از این طیف، در صورتی که واجد وصف کیفی دیگری نباشد، در قوانین خاص آبی جرم‌انگاری شده و مشمول مجازات جزایی دانسته شده‌اند.

در ادبیات حقوقی، نوعی از پیشگیری با عنوان پیشگیری کنشی، به تدابیر و شیوه‌هایی گفته می‌شود که برای ممانعت از اقدامات مجرمانه به‌وسیله مداخله در فرایند جامعه‌پذیری افراد انجام می‌شود. یکی از اقسام این نوع پیشگیری، با عنوان پیشگیری اجتماعی درصدد رفع عوامل زمینه‌ای نقض قوانین و ارتکاب جرم مانند رفع نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم و ایجاد رفاه است (صبح دل، ۱۳۹۶: ۹۵-۹۴). بدیهی است که وظیفه اصلی فراهم کردن بستر مناسب برای پیشگیری اجتماعی یعنی، تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به‌عنوان نمونه توزیع عادلانه آب و فراهم کردن امکان دسترسی به آب برای همه بهره‌وران آبی با قوه مجریه است. اما قوه قضائیه نیز در این راستا وظایفی را عهده‌دار است. به غیر از آنچه در قانون اساسی در مورد پیشگیری از جرم به‌عنوان قوه قضائیه نهاد شده است، در قوانین و مقررات دیگر از جمله برنامه پنجم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز، بر ضرورت همکاری این رکن مهم حاکمیتی با سایر ارکان و نهادها در امر پیشگیری، تأکید شده است (قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، ۱۳۸۹: ماده ۲۱۱ (ه)). بر این مبنا، قوه قضائیه قادر است وظیفه پیشگیری از نقض حقوق شهروندان را از طرق مختلف از قبیل تنقیح و پیشنهاد اصلاح قوانین موجود، افزایش آگاهی و فرهنگ اجتماعی در خصوص شناسایی یک حق مانند حق بر آب و برقراری تعامل با مردم انجام دهد.

۱-۲-۱. تنقیح و پیشنهاد اصلاح قوانین آبی موجود

بدون تردید زمانی که حقی به‌صراحت در قوانین داخلی کشورها شناسایی نشود، زمینه برای نقض آن بیشتر فراهم می‌شود. با بررسی قوانین مربوط به آب، این نتیجه حاصل آمد که به استثنای بیانیه ریاست جمهوری در منشور حقوق شهروندی که یک سند غیرالزام‌آور است، در هیچ‌یک از قوانین کشور مستقیماً سخنی از حق بر آب به میان نیامده است. اگرچه برخی اصول قانون اساسی و قوانین عادی قابلیت تفسیر به تحت شمول قرار دادن تعهدات برآمده از حق بر آب را دارند، ولی درگیر

بودن کشور با پدیده بحران آب و افزایش احتمال نقض بیشتر این حق، ضرورت طرح قاعده صریح شناسایی‌کننده حق بر آب را در قوانین دوچندان می‌کند.

تورم و پراکندگی بیش از حد قوانین آبی کشور نیز، تنقیح قوانین موجود و با پیشنهاد اصلاح قوانین در قالب تهیه یک قانون جامع در موضوعات و مسائل آبی را لازم می‌دارد. با نظر به اینکه اداره کل تنقیح قوانین و مقررات یکی از ادارات اصلی در ذیل معاونت حقوقی قوه قضائیه است که وظیفه آسیب‌شناسی و ارزیابی مستمر قوانین و مقررات مرتبط به کار قوه قضائیه را عهده‌دار است و می‌تواند به شناسایی موارد نیازمند وضع و بازنگری قوانین اقدام کرده و مراتب را به مراجع ذیصلاح در قوای دیگر اعلام نماید (دستورالعمل تنقیح قوانین و مقررات قضایی، ۱۳۹۸: ماده ۱ (الف) و (ث))، قادر خواهد بود اصلاح و یا وضع قوانین جدید در راستای شناسایی حق بر آب را پیشنهاد نموده و یا تنقیح قوانین مربوطه را که از پراکندگی و تعارض رنج می‌برند، به قوای مربوطه پیشنهاد کرده و از این طریق زمینه‌های پیشگیری از نقض حق بر آب را سهولت بخشد.

۲-۱-۲. افزایش آگاهی مردم و کارکنان قضایی در خصوص حق بر آب

ترویج حقوق بشر از طریق ارائه آموزش‌های لازم به صاحبان حق و نهادهای متعهد یکی از گام‌های اساسی در اجرای کامل حقوق بشر می‌باشد. بدیهی است وظیفه اصلی ارائه آموزش، تکلیف وزارت آموزش و پرورش است، اما قوه قضائیه که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و همچنین موظف به احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های اساسی است، در عینیت بخشیدن به این هدف اقدام به ایجاد نهادی تحت عنوان ستاد حقوق بشر نموده است. مسئولیت اصلی این نهاد طراحی، هدایت و پیگیری امور مربوط به حقوق بشر در سطوح داخلی، خارجی و بین‌المللی است و از این‌رو همکاری با نهادها و مراکز آموزشی و پژوهشی در داخل و خارج از کشور را در اولویت‌های خود قرار داده است (ستاد حقوق بشر، ۱۳۹۹). به این ترتیب، ستاد حقوق بشر قوه قضائیه قادر است با همکاری بخش‌های مختلف این قوه مانند معاونت پیشگیری از وقوع جرم و نیز تعامل با نهادهای آموزشی و پژوهشی در قوه مجریه و سازمان صدا و سیما در آگاه‌سازی شهروندان از حق بر آب نقش مهمی ایفا کرده و از این طریق به پیشگیری از نقض حق بر آب کمک نماید.

گفتنی است زمانی که قضات و ضابطان دادگستری در یک کشور به برخی از مصادیق حقوق بشر آگاهی نداشته باشند، خود می‌تواند زمینه نادیده انگاشتن این حق در فرایند قضایی و صدور آرای غیرحقوق بشری را فراهم آورده و صاحب حق را متضرر نماید. لذا آگاه‌سازی قضات در زمینه حق بر آب و تکالیف بخش‌های مختلف حاکمیت علی‌الخصوص قوه مجریه در اجرا و تضمین این حق

از ضروریات تضمین آن است.

۲-۱-۳. تقویت و ارتباط ارکان مختلف قوه قضائیه با مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد

ماهیت محیط زیست و عناصر آن، از جمله آب، به گونه‌ای است که مشارکت همگان در حفظ آن ضرورت دارد. از آنجا که بخش عمده‌ای از بهره‌برداران منابع آبی عموم مردم هستند، اتخاذ تصمیمات و اجرای امور مربوط به آب بدون خواست و رضایت واقعی مردم، به گونه مطلوب عملی نخواهد شد. ولی در اکثر کشورها مقامات و نهادهای دولتی بدون مشورت و کسب نظر از مقامات محلی به ایجاد زیرساخت‌ها و پروژه‌هایی مثل سدها، خطوط انتقال آب، سیستم‌های آبیاری و امثال آن اقدام کرده که در مواردی آثاری منفی بر کمیت و کیفیت منابع آبی در دسترس مردم داشته‌اند و حتی معیشت آن‌ها را مختل می‌کنند. حال آنکه اسناد بین‌المللی به حق مشارکت عموم در جهت تحقق کامل حق بر آب توجه نشان داده‌اند.

اصول مختلف قانون اساسی به جلوه‌های گوناگون اجرای حق بر مشارکت عموم در فرایند قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی^۱ توجه کرده است. ضرورت مشارکت عموم در حوزه پیشگیری از نقض حق بر آب، از اصل هشتم قانون اساسی که بر تکلیف امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان وظیفه‌ای همگانی تأکید می‌کند، مستفاد می‌شود. ایفای این وظیفه از سوی مردم نسبت به دولت مستلزم نظارت مردم بر حسن اجرای تعهدات دولت است. بنابراین، مردم می‌توانند از طریق تعامل با معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه و رصد فعالیت نهادهای دولتی و ارائه گزارشاتی مبنی بر موارد اولیه نقض تعهدات، در پیشگیری از ارتکاب تخلفات، نقش عمده‌ای ایفا کنند. همچنین امکان ارائه گزارشات و شکایات مردمی به سازمان بازرسی کل کشور که وظیفه نظارت بر حسن اجرای

۱. از جمله اصول قانون اساسی که مشارکت عموم در فرایند قضایی را بیان می‌دارد، عبارتند از:

- صدر اصل ۱۵۶: قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی ... است.

- اصول ۱۵۹، ۱۷۳، ۱۷۴ و بند ۵ اصل ۱۵۶: یکی از جلوه‌های مشارکت عمومی در فرایند قضایی، ارتباط افراد با بخش‌های مختلف قوه قضائیه برای احقاق حقوق خود است؛ چنانکه که در اصل ۱۵۹ قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. همچنین اصل ۱۷۳ قانون اساسی که به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم، دیوان عدالت اداری را تشکیل داده و نیز اصل ۱۷۴، در رابطه با سازمان بازرسی کل کشور، حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری را مقرر کرده است و به موجب قوانین عادی، این سازمان امکان دریافت گزارشات مردمی را دارد. افزون بر این، یکی از وظایف قوه قضائیه مندرج در اصل ۱۵۶، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان است که در معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، بخشی برای ارتباط با مردم و دریافت گزارشات آنان پیش‌بینی شده است.

قوانین از سوی قوه مجریه رابر عهده دارد، از دیگر جلوه‌های تحقق مشارکت عموم در پیشگیری از جرم در سیستم قضایی است. در راستای تحقق بهتر این وظیفه، تقویت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه حفاظت از محیط زیست و منابع آبی و تعامل سازنده قوه قضائیه با آنها، به‌طور مثال، در جایگاه نهاد دوست دادگاه، می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد.

۲-۲. نظارت

بعد دیگر وظیفه قوه قضائیه در تضمین حق بر آب از طریق نظارت بر نهادهای مسئول اجرای این حق، عملی می‌شود. انجام عمل بازرسی، لازمه کار نظارت است و نظارت، تحقق حاکمیت قانون را تسهیل می‌بخشد. در فرایند نظارت، یک مرجع قضایی، اقدامات و یا تصمیمات سایر قوای حاکمیتی را کنترل کرده و مطابقت آنها با قوانین را ارزیابی می‌کند. نتیجه این بازبینی می‌تواند در قالب صدور کیفرخواست علیه متخلفین یا لغو و ابطال تصمیمات نهادهای حاکمیتی اثرگذار باشد (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۶). امر نظارت از سوی قوه قضائیه در دو زمینه اجرا می‌شود: قسم نخست نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین و قسم دوم، نظارت بر حفظ حقوق عامه است. دو نهاد اصلی سازمان بازرسی کل کشور و دادستانی، متولی اصلی انجام امر نظارت در حوزه‌های یادشده هستند.

۲-۲-۱. نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین

حق نظارت قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، در ضمن اصل ۱۷۴ قانون اساسی به سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» سپرده شده است.

سازمان بازرسی نه تنها می‌تواند رأساً با انجام بازرسی‌های مستمر و یا موردی و اعلام موارد تخلف به مراجع و مقامات ذیصلاح و یا ارائه گزارش‌ها به مراجع قضایی، دیوان عدالت اداری و یا هیئت رسیدگی به تخلفات نهاد ریاست جمهوری بر حسن اجرای قوانین نظارت کند، بلکه می‌تواند به‌مثابه نهاد آمبودزمان (رسیدگی‌کننده به شکایات) در کشورهای اروپایی، با پذیرش شکایت‌ها از سوی عموم و شروع به بازرسی به دنبال صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندان باشد (جلالی و صداقتی، ۱۳۹۳: ۱۶۸). اگرچه سازمان بازرسی کل کشور از آن جهت که در زیر مجموعه قوه قضائیه قرار دارد، از ویژگی استقلال و بی‌طرفی آمبودزمان‌ها برخوردار نیست اما کار این سازمان، از جهت پذیرش شکایات و دعاوی، عضویت در ستاد حقوق بشر قوه قضائیه و نظارت بر حسن اجرای قوانین مشتمل بر حقوق و آزادی‌های عمومی در نهادهای اداری، با نهاد آمبودزمان شباهت دارد (برای مطالعه بیشتر نک: مهرعلیان، ۱۳۹۶) و از این جهت می‌تواند نقش مهمی را در تضمین اجرای حقوق

بشر، مانند حق بر آب و وظایف قوه مجریه در این راستا ایفا نماید. به این ترتیب نظر به گستردگی صلاحیت نظارت‌های سازمان بازرسی کل کشور از ابعاد مختلف موضوعی، سازمان‌های تحت شمول و قلمروی زمانی بازرسی که در سه بخش پیشگیری، در حین اجرا و پس از اقدامات سازمان‌های مشمول امکان‌پذیر است (قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با آخرین اصلاحات و الحاقات، ۱۳۹۳: ماده ۱ (تبصره) و ماده ۲ (الف))، و نیز حجم زیاد قوانین مربوط به آب که با جنبه‌های مختلف تحقق حق بر آب ارتباط دارند، می‌توان از ظرفیت این سازمان برای نظارت بر اجرای این حق در راستای تضمین حسن اجرای قوانین^۱ بهره گرفت.

۲-۲-۲. نظارت بر حفظ و احیای حقوق عامه

حفظ و احیای حقوق عامه از مهم‌ترین وظایف قوه قضائیه است. احیای حقوق عامه معمولاً زمانی ضرورت دارد که ارکان اجرایی حکومت که وظیفه اصلی و اولیه اجرا و تأمین حقوق عمومی را عهده دارند، از انجام تکالیف خود سرباز زنند و یا در این زمینه قصور ورزند (تنگستانی، مرادی برلیان و مهرآرام، ۱۳۹۷: ۷۰-۶۹). نظر به اینکه در قانون اساسی ایران در مورد متولی انجام وظیفه احیای حقوق عامه حکمی پیش‌بینی نشده است، مهم‌ترین نهادی که می‌تواند به نظارت و پیگیری حفظ این حقوق مبادرت ورزد، دادستانی است.

از بررسی پیشینه نهاد دادستانی در نظام حقوقی ایران و مطالعه تطبیقی آن با دولت‌های دیگر، نیک واضح است که مبنای اصلی تشکیل این نهاد، احیای حقوق و منافع عمومی و نظارت بر اجرای قوانین است (تنگستانی، مرادی برلیان و مهرآرام، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۹۹). برای کاویدن مبانی حقوقی نقش دادستان در اجرای این وظیفه یعنی احیای حقوق عمومی، باید به قوانین مربوطه رجوع شود. ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) وظیفه حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد را تحت صلاحیت دادرسی دانسته است. همچنین ماده ۲۹۰ این قانون، دادستان کل کشور را مکلف کرده در جرایم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی را که نیاز به طرح دعوا دارد از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید. به دنبال ابلاغ تشکیلات جدید دادستانی کل در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ از سوی رئیس قوه

۱. حسن اجرای قوانین دارای دو بعد است. یکی در مراجع قضایی که توسط دیوان عالی کشور صورت می‌پذیرد و دیگری در دستگاه‌های اداری که توسط سازمان بازرسی کل کشور تضمین می‌شود. تأکید اصلی این نوشتار بر بعد دوم حسن اجرای قوانین، یعنی اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری است که در ذیل اصل ۱۷۴ قانون اساسی قرار می‌گیرد.

قضائیه، معاونتی تحت عنوان «معاونت پیگیری و احیای حقوق عامه» در چهارچوب ساختاری این نهاد ایجاد شد و بر این اساس، وظیفه احیای حقوق عامه مندرج در اصل ۱۵۶ قانون اساسی از سوی رئیس قوه قضائیه بر عهده دادستانی کل قرار گرفت (مرادی برلیان، ۱۳۹۶: ۲۵). ماده ۲ دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه نیز بر اساس همین نکته، پیگیری احیای حقوق عامه را عمدتاً بر عهده دادستان‌های عمومی قرار داده است.

استفاده از واژه «پیگیری» احیای حقوق عامه از آن جهت است که در بسیاری از موارد، حقوق عامه خود دارای متولی مشخص (برای نمونه سازمان حفاظت محیط زیست درباره امور زیست محیطی و یا وزارت نیرو در حوزه آب) است. با عنایت به این امر، برای پیشگیری از تداخل وظایف دادستان با دستگاه‌های ذی‌ربط، دادستان تنها زمانی وارد عمل می‌شود که دستگاه‌های متولی امر در انجام اقدامات خود در پیگیری و نظارت بر اقدامات متضمن حقوق عامه، قصور ورزیده باشند.

لازم به ذکر است، بیان وظیفه نظارتی دادستان در احیای حقوق عامه بدین معنا نیست که این مقام در مراحل پیشگیری و مرحله پسینی نقشی ندارد. برای مثال بند ۵ ماده ۲ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب (۱۳۹۰) از سوی مجلس شورای اسلامی و (۱۳۹۴) مجمع تشخیص مصلحت نظام، «دادستان کل کشور» را یکی از اعضای عالی شورای پیشگیری از وقوع جرم معرفی کرده است. دادستان در بسیاری از تشکیلاتی که به موجب مواد خاص برای امر پیشگیری تأسیس شده‌اند هم حضور دارد؛ برای مثال، می‌توان به عضویت دادستان در شورای حفظ بیت‌المال در امور اراضی و منابع طبیعی و یا حضور دادستان در شورای حفاظت از منابع آب در شهرستان‌ها و یا در سطح استان‌ها اشاره کرد.

کشور ایران دچار خشکسالی و بحران فزاینده آب بوده و برداشت بی‌رویه از منابع آبی به‌ویژه آب‌های زیرزمینی و ژرف، آلوده ساختن آب‌ها و اجرای طرح‌های غیراصولی آبی می‌تواند بر تأمین منابع آبی منطقه یا مناطقی از کشور آثار سوء بر جا گذارد. بر این اساس حفظ و احیای منابع آبی را می‌توان به‌عنوان حقوق عامه در نظر گرفت که دادستان موظف به حفظ، پیگیری و نظارت بر آن‌هاست.

آنچه در مورد ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری و وظیفه دادستان در پیگیری حقوق عامه قابل تأمل است آنکه این ماده وظیفه دادستان را منحصر به جرایم کرده است، حال آنکه احیای بایسته حقوق عامه امری فراتر از بحث جرایم و رسیدگی‌های کیفری است (مرادی برلیان، ۱۳۹۶: ۱۹). نتیجه آن است که در حال حاضر دادستان‌ها در صورت ارتکاب جرایم کیفری مربوط به آب و

نقض حقوق عامه امکان ورود دارند، در حالی که بخش اعظم نقض حق بر آب ناشی از قصور نهادهای دولتی متکفل تأمین و توزیع آب است که ممکن است هیچ گونه جرم‌انگاری در این رابطه صورت نگرفته باشد. به همین دلیل امکان‌سنجی پیش‌بینی نهادی تحت عنوان «دادستان اداری» می‌تواند نظارت بر اجرای صحیح حق بر آب شهروندان را میسر سازد.

۲-۳. دادخواهی

در هر جامعه انسانی سازمان‌یافته‌ای، حق دادخواهی، یک اصل کلی حقوقی پذیرفته شده و یکی از حقوق بنیادین انسانی تلقی می‌شود. امکان دادخواهی، نخستین گام در تحقق عدالت و پیش‌شرط اساسی برای سیاست‌های کارآمد حقوق بشر به شمار می‌رود (داعی، ۱۳۹۰: ۲). شناسایی حق بشری بر آب، شهروندان را در مقام مدعی حق و دولت‌های حاکم و سایر افراد جامعه را در مقام مجری قرار می‌دهد. به همین واسطه، زمانی که حق مورد ادعا اجرا نمی‌شود، مجریان باید در برابر عدم اجرا و یا قصور خود پاسخ‌گو باشند. اصلی‌ترین نهاد اقامه‌کننده حق دادخواهی، قوه قضائیه است. به منظور ارزیابی نقش قوه قضائیه در فرایند دادخواهی با هدف تضمین حق بر آب، این پژوهش، نخست به دادرسی‌پذیری حق بر آب پرداخته و سپس سازوکارهای قوه قضائیه را در اجرای این وظیفه مطمح نظر قرار می‌دهد.

۲-۳-۱. دادرسی‌پذیری حق بر آب

حق بر آب از جمله حقوق رفاهی به شمار می‌رود که در زمره حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جای می‌گیرد. قابلیت دادخواهی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از بدو شکل‌گیری یکی از مسائل جدال‌برانگیز حقوقی بوده است. بیشتر استدلال‌ها علیه دادرسی‌پذیری این حقوق به اختلاف‌نظرات در باب ماهیت ایجابی بودن این حقوق و نوع تعهد دولت‌ها نسبت به آن‌ها بازمی‌گردد. زیرا رویکرد کلی آن است که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار پرهزینه بوده و اجرای کامل آن‌ها به سطح توانایی و منابع مالی دولت‌ها وابسته است و در نتیجه، تعهد دولت‌ها، تعهد به وسیله است (Fried, 1987: 10). اما واقعیت آن است که همه حقوق اعم از حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متضمن ترکیبی از تعهدات مثبت و منفی هستند و نیازمند اقدام دولت به عدم مداخله در احقاق کامل آن‌ها و اقدام ایجابی دولت‌ها در فراهم کردن بستر لازم برای اجرای این حقوق هستند. نتیجه آنکه مثبت و منفی بودن تعهد دولت‌ها ذاتی این حق‌ها نیست بلکه هر حق، ترکیبی از تعهدات مثبت و منفی است و تنها تفاوت، در میزان و درجه اقدام دولت‌ها نسبت به این دو دسته از حقوق است (سیفی و حاجی ملا، ۱۳۹۸: ۱۷۴-۱۷۳). از دیگر استدلالاتی که علیه قابلیت دادرسی‌پذیری این حق‌ها مطرح می‌شود آن است که

حق‌های رفاهی معمولاً و نه انحصاراً، نیازمند اقدامات دولت در معنای قوه مجریه است و نقض آن‌ها نیز عمدتاً با ترک فعل دولت‌ها به وقوع می‌پیوندد. به همین دلیل اجرای قضایی این حقوق، متضمن عمل قوه قضائیه برای واداشتن دولت به انجام وظایف خود و نوعی دخالت در اموری است که در صلاحیت این نهاد قرار دارد. در حالی که اصل تفکیک قوا چنین امری را بر نمی‌تابد (سیفی و حاجی ملا، ۱۳۹۸: ۱۷۴).

در پاسخ به این استدلال، باید اذعان کرد که هرچند تفکیک قوا دکترینی مهم است اما این دکترین باید در کنار سایر اصول، از جمله اصول حاکمیت قانون و برتری قانون اساسی اعمال شود. به موجب اصل حاکمیت قانون، قوه قضائیه وظیفه دارد جبران مؤثر همه حقوق را تضمین نماید و حکومت‌ها نباید از مسئولیت نسبت به حمایت و احترام به این حق‌ها معاف شوند. بر اساس اصل برتری قانون اساسی، قوه قضائیه متعهد است اجرای این قانون را تضمین نماید و بر فعالیت سایر ارکان حکومت در اجرای آن، از جمله فراهم کردن امکانات رفاهی، نظارت کند (سیفی و حاجی ملا، ۱۳۹۸: ۱۷۵). امروزه با تصویب پروتکل اختیاری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۲۰۰۸، که به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، صلاحیت رسیدگی به شکایات افراد علیه دولت‌های عضو پروتکل در رابطه با اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌دهد، گام مهمی در راستای دادرسی‌پذیری حقوق رفاهی اتخاذ شد (Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 2008: Art. 1). زیرا یکی از مهم‌ترین اهداف این پروتکل، آن است که دولت‌های عضو میثاق آگاه باشند که تعهدات آن‌ها نسبت به حقوق مندرج در میثاق، تعهداتی واقعی است که قابلیت دادخواهی دارد (سادات اخوی، ۱۳۸۷: ۲۲۲-۲۲۵).

با اثبات دادرسی‌پذیری حقوق رفاهی، قابلیت دادخواهی حق بر آب که از جمله مهم‌ترین حقوق برای تأمین رفاه شهروندان است، حاصل می‌آید. گزاره حق بودن آب و دادخواهی‌پذیری آن، منتج به مسئول شناخته شدن ناقضان این حق اعم از اشخاص و نهادهای دولتی یا غیردولتی می‌شود. به این ترتیب باید ساختارهایی برای امکان طرح مسئولیت این اشخاص در سطح ملی اندیشیده شود. مسلماً قوه قضائیه به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد دادخواهی مکلف به انجام این وظیفه است.

۲-۳-۲. سازوکارهای دادخواهی نسبت به حق بر آب

پیش‌بینی و تأسیس سازوکارهای قضایی، بنیادی‌ترین ساختارهای قانونی برای تضمین حقوق بشر در سطوح داخلی هستند. با درک این مهم، تعدادی از مراجع قضایی داخلی در کشورهای مختلف، پرونده‌های مرتبط با نقض حق بر آب، به‌خصوص در رابطه با ایجاد آلودگی در منابع آبی و

قطع ارائه خدمات آبی را مورد رسیدگی قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال در پرونده «ساکنان خانه‌های مسکونی بن‌ویستا علیه شورای محلی شهرهای جنوبی» در آفریقای جنوبی، دادگاه عالی به این نتیجه رسید که قطع منبع آب، نقض قانون اساسی این کشور در خصوص احترام به حق بر آب توسط دولت است. در پرونده کومار علیه ایالت بیهار نیز، دیوان عالی هند اذعان نمود که حق بر حیات حقی بنیادین بوده که شامل حق انتفاع از آب بدون آلودگی می‌شود (OHCHR, 2010: 40). در قضیه‌ای در دادگاه قانون اساسی کلمبیا، شکایتی مبنی بر عدم تأمین آب مناسب برای مصارف انسانی علیه شهرداری مطرح شد و دادگاه ضمن حمایت از این ادعا، بیان کرد که حق بر آب سالم و کافی به‌طور ضمنی از سایر حقوق مندرج در قانون اساسی از جمله حق بر حیات، کرامت انسانی، حق بر سلامت و حق بر محیط زیست سالم استنباط می‌شود (Lee, 2019).

نظر به ظرفیت‌های قانونی موجود در راستای شناسایی وظیفه رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات و شکایات و نیز احیای حقوق عامه برای قوه قضائیه، دستگاه قضایی مکلف به تضمین حاکمیت قانون از طریق فراهم کردن بستر لازم برای دادخواهی مدعیان حق بر آب است.

۲-۳-۲-۱. دادخواهی حق بر آب در دادگاه‌های عمومی

مطابق اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. از همین رو، تشکیل دادگاه‌ها و دسترسی به آن‌ها ابتدایی‌ترین و در عین حال، مهم‌ترین مراجع دسترسی به عدالت قضایی هستند. چنان‌که گفته شد، با استنباط ضمنی حق بر آب از برخی اصول قانون اساسی، قوانین عادی و معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجرا برای ایران، این نتیجه حاصل گردید که نظام حقوقی داخلی کشور در رابطه با بیان تعهدات لازم برای اجرایی شدن حق بر آب خلاً حقوقی ندارد؛ اگرچه، تحت عنوان صریح و دقیق «حق بر آب» مطرح نشده است. بر این اساس، این ایراد احتمالی که چون حق بر آب در قوانین ایران نیامده، دادگاه‌ها قادر به رسیدگی به آن نیستند، بلاوجه می‌شود و قاضی ایرانی می‌تواند بر مبنای مقررات حداقلی موجود هم موارد نقض تعهدات حق بر آب را شناسایی و در صورتی که عمل مجرمانه داشته باشد، حکم به مجرمیت و تعیین مجازات نموده و زمانی که نقض تعهد موجب ایراد خسارت مدنی می‌شود، مسئولیت مدنی متخلف یا متخلفان را احراز نماید.

از بعد مسئولیت کیفری، یکی از عمده‌ترین شیوه‌ها در اجرای دقیق تعهد به صیانت از حق بر آب، نحوه برخورد جزایی با متخلفین و متجاوزین به منابع و تأسیسات آبی است. قوانین ایران در این زمینه به جرم‌انگاری برخی از تخلفات پرداخته است. برخی از مهم‌ترین این جرایم عبارتند از: بهره‌برداری و استفاده غیرمجاز از آب، مداخله غیرمجاز، تخریب یا اختلال در تأسیسات آبی، حفر

چاه غیر مجاز، تجاوز به حریم و بستر رودخانه‌ها و مجاری آبی، حفاری بدون پروانه، عدم مصرف معقول، عدم پرداخت آب‌بها، عوارض و دیون آلودگی آب.^۱

از مطالعه عناوین مجرمانه مربوط به آب این برداشت حاصل می‌شود که بخش مهمی از نقض تعهدات اشخاص عمومی و خصوصی در تأمین حق بر آب سایرین، دارای مسئولیت کیفری دانسته شده است و مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی که مقرر می‌دارد حکم به مجازات و اجرای آن تنها باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد، شاکیان از این اقدامات می‌توانند برای طرح دعاوی خود در این جرایم به دادگاه‌های صالح مراجعه نمایند.

مطابق ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ارتکاب جرم، در این مورد جرایم آبی، موجب طرح دو دعوا می‌شود: الف) دعوی عمومی که هدف آن حفظ حقوق جامعه است؛ ب) دعوی خصوصی از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون، حق خصوصی بزه‌دیده است.

تعقیب متهم از حیث بعد عمومی بر عهده دادستان بوده و از حیث خصوصی بر عهده بزه‌دیده است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲: مواد ۹ و ۱۱). از این رو، علاوه بر اشخاصی که مستقیماً نقض حق بر آب آن‌ها مشمول یکی از عناوین مجرمانه می‌شود، در مواردی مثل آلودگی شدید منابع آبی در یک منطقه، دادستان هم از باب جنبه عمومی جرم می‌تواند اقدام لازم را به عمل آورد. بر این مبنا، معاونت دادستانی حقوق عامه در امر آغاز به رسیدگی و تعقیب کیفری نیز نقش قابل توجهی در احقاق حق بر آب ایفا می‌کند.

میزان جرایم آبی ارتکاب یافته حاکی از آن است که به رغم وجود قوانین کیفری در حوزه جرایم آبی و وضع مجازات‌هایی برای ناقضان این قواعد، کارآمدی و بازدارندگی قابل انتظار حاصل نشده و لازم است قوانین موجود موضوع بازنگری قرار گرفته و روزآمد شوند.

دعاوی برآمده از حق بر آب در بعد مدنی عمدتاً دعاوی مسئولیت مدنی هستند. مسئولیت مدنی به معنی مسئولیت پرداخت خسارت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۴۰) که عامل ایجاد خسارت را ناگزیر از جبران آن می‌نماید. در حوزه حق دسترسی به آب، اگر عمل اشخاص، اعم از خصوصی یا عمومی و حقیقی یا حقوقی، به نحوی موجب ایراد خسارت به بهره‌وران از آب شود، با احراز رابطه سببیت می‌توان مسئولیت مدنی شخص واردکننده زیان را مطرح نمود.

بر مبنای ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب (۱۳۳۹) هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در

۱. مواد مختلف قانون توزیع عادلانه آب، ۱۳۶۱ و قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، ۱۳۵۲.

نتیجه بی احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. علاوه بر این مقررۀ عام که در مورد حق بر آب نیز قابلیت اعمال دارد، برخی از قوانین خاص در حوزه آب به مسئولیت مدنی اشخاص توجه کرده‌اند. برای مثال ماده ۶ قانون توزیع عادلانه آب ناظر بر مسئولیت مدنی استفاده‌کنندگان از چاه و قنات بر جلوگیری از آلودگی آب و عمل طبق مقررات بهداشتی است. مرجع دادخواهی نسبت به دعاوی مسئولیت مدنی مربوط به آب نیز محاکم عمومی حقوقی هستند.

آنچه در این قسمت شایسته توضیح است آنکه بخش عمده‌ای از خسارات و ضررهای وارده به منابع آبی و حق دسترسی افراد به آب ناشی از عمل و مصوبات نهادها و کارگزاران دولتی است. بعضی از اعمال منجر به خسارت دولت در حوزه منابع آبی عبارتند از: اجرای طرح‌های عمرانی، کشاورزی و سدسازی بدون ارزیابی دقیق اثرات آنکه منجر به خشک شدن آب چشمه‌ها، قنات و چاه‌های خصوصی می‌شود؛ آلوده کردن منابع آب توسط شرکت‌های دولتی و یا تقصیر نهادهای دولتی در پیشگیری از آلودگی آب؛ صدور پروانه مصرف آب بدون رعایت مقررات قانونی و سوءمدیریت در استحصال، توزیع و انتقال آب (دالوند، علیمرادی و حیدری، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

اگرچه از اطلاق مواد ۳۲۸ و ۳۳۲ قانون مدنی، مسئولیت مدنی دولت قابل انتساب است اما به دلیل ارائه تفاسیر مختلف از این مواد، اشاره به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی که به صراحت مسئولیت دولت را شناسایی کرده است، صحیح‌تر و نزدیک به صواب به نظر می‌رسد. هرچند در این ماده نیز در مورد اعمال حاکمیتی دولت که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

طرح دعوا علیه اقدامات دولتی غیرقانونی یا موجب خسارت، طبق ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان مصوب (۱۳۹۲) در صلاحیت دیوان عدالت اداری است اما تعیین میزان خسارت وارده با دادگاه‌های عمومی می‌باشد.

۲-۳-۲. دادخواهی حق بر آب در دیوان عدالت اداری

نهادهای اداری به دلیل ظرفیتی که اقتدار عمومی برای آنان ایجاد می‌کند در مقام تصمیم‌گیری یا اجرای قوانین، احتمال خروج از صلاحیت‌ها و نقض حقوق مردم را دارند. لذا قوه قضائیه مطابق اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی، مسئولیت رسیدگی به دعاوی علیه این نهادها را داراست و موظف است آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های غیرقانونی، غیرشرعی و خارج از حدود اختیارات مقامات و دستگاه‌های دولتی را در صورت طرح دعوا ابطال نماید (رحمت‌اللهی و شیرزاد، ۱۳۹۳: ۹۷). امروزه

گفتمان حقوق بشری بر همه شاخه‌های حقوق و به‌طور خاص حقوق عمومی که تنظیم‌کننده رابطه مستقیم دولت و افراد است، سایه افکنده زیرا حقوق اداری، با بیان طرق حمایت از حقوق و منافع افراد و تعیین حدود اختیارات مقامات عمومی، آنان را به پیروی از معیارهای ویژه‌ای الزام می‌کند تا جلوی غرض‌ورزی‌ها، خودسری‌ها و سوءاستفاده از مقامات دولتی سد شود و زمینه توزیع برابر و عادلانه امکانات و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی میان شهروندان فراهم گردد (رحمت‌اللهی و شیرزاد، ۱۳۹۳: ۱۰۰). تعبیه دیوان عدالت اداری، به‌عنوان یک مرجع بی‌طرف قضایی، با صلاحیت نظارت بر اعمال و آیین‌نامه‌های دولتی، سازوکاری است که می‌توان هدف نهایی آن را تضمین حقوق و آزادی‌های بشری دانست. با این توضیح که مقررات و تصمیمات دولتی که عمده روابط دولت و شهروندان را تنظیم می‌کند نباید با قوانین عادی متعارض باشد و قوانین عادی مجلس نیز باید مطابق قانون اساسی قرار گیرد و قانون اساسی در حقیقت تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های انسانی است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۲۶۳). اساس شناسایی حق بر آب در نظام حقوق داخلی را می‌توان از برخی اصول قانون اساسی مربوطه استنباط نمود. به این ترتیب، دیوان عدالت اداری از صلاحیت کنترل مطابقت مصوبات دولتی با قوانین عادی و قوانین اساسی مربوط به حق بر آب برخوردار است. مضافاً آنکه به نظر می‌رسد، با توجه به اطلاق ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌توانند از تصمیمات و اقدامات موردی نهادهای دولتی و مأموران آن‌ها در حوزه‌های گوناگون، برای مثال در رابطه با نقض تعهد خود در تأمین و توزیع عادلانه آب یا حفظ کیفیت آب که در قوانین داخلی کشور به آن تصریح شده است، در دیوان عدالت اداری شکایت برند و زمانی که دیوان استحقاق آن‌ها را شناسایی کرد برای تعیین میزان خسارت به دادگاه‌های عمومی مراجعه نمایند (برای مطالعه بیشتر نک: جلالی، حسنوند و میری، ۱۳۹۰: ۸۵ و ۱۱۲). افزون بر این، مطابق ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان، اگر مصوبه سازمان دولتی و عمومی مخالف شرع یا قانون باشد، یا سازمان در انجام وظایف خود سوءاستفاده یا تخلف کند و یا با خودداری از انجام وظایف خود موجب تضییع حقوق اشخاص خصوصی یا عمومی شود، این اشخاص می‌توانند در دیوان عدالت اداری دعوی خود را مطرح نمایند. اما مهم‌ترین اشکالی که همواره بر روند رسیدگی‌ها در دیوان عدالت اداری وارد آمده، طولانی بودن مراحل رسیدگی در آن است. همچنین نقش سازمان‌های مردم‌نهاد برای طرح دعوا در دیوان عدالت اداری بسیار محدود است.

دیوان عدالت اداری در بخشی از رویه قضایی هیئت عمومی در دادنامه شماره ۴۰۹ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۴ درخصوص ضرورت حفظ صیانت از منابع آبی این طور مقرر داشته: «بدون تردید

حفظ و صیانت از منابع و ذخائر آبی کشور و به‌ویژه سفره‌های زیرزمینی و بهره‌برداری بهینه از آن‌ها یک ضرورت است و باید به‌عنوان یک امر حیاتی مورد توجه قرار گیرد و همه سعی کنیم تا از افت شدید سفره‌های آبی زیرزمینی و بهره‌برداری بی‌رویه و غلط و غیرفنی از منابع یادشده پرهیز شود و به‌خصوص در منابع کم‌آب و دشت‌هایی که با محدودیت شدید منابع آبی و نزولات جوی مواجه هستیم، این موضوع از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است و دستگاه‌های اجرایی و قانونی به‌ویژه وزارت نیرو و کشاورزی در این زمینه مسئولیت بیشتری به‌عهده دارند. البته باید با روش‌های قانونمند و فرهنگ‌سازی و ترویج و تشویق و آموزش، چه در حفظ ذخائر و سفره‌های زیرزمینی و چه در بهره‌برداری از آب‌های مهارشده و یا مهار بیشتر منابع آبی کشور، به‌ویژه در مناطق مرزی، تدبیر و تلاش و اقدام لازم و قانونمند انجام پذیرد». این دادنامه، بخشنامه ۴۷۱۳۳/۱۴۲ - ۱۳۶۵/۱/۱۱ و بخشنامه ۵۳۶۲۳/۴۲۴ - ۱۳۶۶/۲/۱۴ وزارت نیرو را مخالف اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی و تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون توزیع عادلانه آب که وصول آب‌بهای بخش کشاورزی را بر عهده وزارت کشاورزی قرار داده و نیز عدم ملاحظه شرایط اقتصادی اجتماعی مناطق مختلف کشور بنا بر امکانات، مغایر با شرایط ضرورت‌ها و شاخص‌های قابل قبول و درآمدها و هزینه‌های مربوط در تعیین میزان حق‌النظاره و صلاحیت هیئت وزیران در باب تشخیص و تعیین میزان حق‌النظاره دانست و آن را ابطال کرد (هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ۱۳۸۲).

دادنامه شماره ۱۳۲۷ الی ۱۳۳۱ در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۹۷ نیز از جمله آرای این دیوان است که اقدام شورای شهر ابوزید آباد را در تعیین نرخ مشارکت مالی مردم در اجرای طرح‌های آبی و جمع‌آوری فاضلاب، خارج از صلاحیت شورا قلمداد کرده و مصوبه آن را باطل دانسته است (هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۷).

با نظر به این‌گونه آرای صادره از دیوان عدالت اداری که بر جنبه‌های مختلف تأمین کمیت و کیفیت منابع آبی، مقرون به صرفه بودن منابع آب و دیگر موضوعات آبی توجه دارد می‌توان دریافت که اگرچه دیوان مستقیماً به لزوم اجرای حق بر آب اشاره نکرده است اما به‌طور ضمنی دولت و نهادهای وابسته به آن را مسئول فراهم کردن دسترسی به آب پاک، سالم، مقرون به صرفه و از نظر فیزیکی سهل‌الوصول می‌داند.

۳. چالش‌های تضمین حق بر آب در نظام حقوقی ایران و بایسته‌های قوه قضائیه

به‌رغم آنکه سازوکارهای قضایی موجود در نظام حقوقی ایران، تا حد زیادی امکان دسترسی به عدالت در مورد حق بر آب را برای شهروندان فراهم می‌کند، اما مسائل و مشکلات عدیده منابع آبی در ایران از ضعف عملکرد دولت تا آلودگی این منابع توسط واحدهای صنعتی و نیز مصرف بی‌رویه

منابع آب، مبین آن است که نظام حقوقی ایران، در موضوع مدیریت منابع آبی و به تبع آن اجرا و تضمین حق بر آب شهروندان دچار نقایصی جدی است که جلوه‌های عینی آن در کم‌آبی شدید و یا کیفیت نازل آب در برخی استان‌های جنوبی و مرکزی کشور قابل مشاهده است. بخشی از این مسائل برآمده از نارسایی‌های قانونی و ضعف ساختارهای حقوقی کشورمان در حوزه مدیریت منابع آب است. شماری از این چالش‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی به شرح ذیل است:

۳-۱. عدم شناسایی حق بر آب در قوانین داخلی کشور

چنان‌که گفته شد تعهد ابتدایی هر دولت نسبت به حقوق بشر و پایه احترام به آن حقوق، شناسایی آن‌ها در قوانین داخلی کشورهاست و بدون قانون‌گذاری داخلی اساساً سخن گفتن از اجرا و تضمین حق بر آب امری عبث پنداشته می‌شود. بنابراین لازم است اداره تدوین و تنقیح قوانین قوه قضائیه در تعاملش با قوای مجریه و مقننه، ضرورت شناسایی این حق در قوانین داخلی ایران را مطرح نماید.

۳-۲. پراکندگی قوانین مربوط به آب و تعارض مفاد برخی از آن‌ها

پراکندگی مقررات آبی در اسناد و قوانین گوناگون و حجم زیاد آن قوانین، منجر به سختی و سردرگمی در اجرای آن‌ها و طولانی شدن روند دادرسی در مرحله دادخواهی خواهد شد. از این رو، لازم است قوه قضائیه با تعامل سایر قوا، به‌ویژه قوه مقننه، با شناسایی خلأهای قانونی موجود، پراکندگی و تورم قوانین را برطرف ساخته و به تهیه قانون جامع آب مبادرت نمایند.

۳-۳. عدم وضوح نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دعاوی آبی

از آن‌جا که متعهد اصلی اجرای حق بر آب نهادها و سازمان‌های اجرایی هستند و بخش عمده اشخاصی که از نقض حق بر آب رنج می‌برند، مردمان مناطق محروم کشور، حاشیه‌نشینان شهرها و اقشار کم‌درآمد بوده که توان علمی و مالی طرح دعوا و یا پیگیری اجرای این حق را از نهادهای ذی‌ربط ندارند، تقویت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و مشخص ساختن نحوه تعامل قوه قضائیه با این نهادها از طریق صدور دستورالعمل‌های قضایی و فراهم کردن بستر پیگیری تخلفات و جرایم آبی و زیست‌محیطی از جانب آن‌ها می‌تواند به قوه قضائیه در احیای حقوق عامه کمک قابل توجهی نماید. با ابلاغ «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه» از سوی ریاست قوه قضائیه در تاریخ (۱۳۹۸/۱۲/۰۶)»، تا حد زیادی به این مهم توجه شده است. با وجود این ظرفیت‌های قانونی، تلاش برای عملی ساختن مقررات مندرج در آن شایسته و لازم است.

۳-۴. وجود محاکم قضایی و شبه قضایی متعدد در قوانین آبی و تعارض صلاحیت‌ها

وجود مراجع قضایی و شبه قضایی گوناگون برای رسیدگی به دعاوی آبی در قوانین عام و یا خاص کشور و هم‌پوشانی دایره صلاحیتی برخی از آن‌ها باعث می‌شود اطراف دعوا و حتی قضات محاکم

در تشخیص مرجع صالح، به سردرگمی دچار شوند و حتی در مواردی فرایند رسیدگی‌های آبی طولانی شود. به‌منظور رفع این چالش‌ها، بررسی ایده مطروحه ناظر بر تشکیل دادگاه‌های آب (زندرضوی، ۱۳۹۸: ۲۲) که تمامی دعاوی مربوط به آب در صلاحیت این محاکم قرار گیرد، ضرورت داشته و در صورت مفید فایده بودن آن‌ها، ریاست قوه قضائیه می‌تواند بنا بر اختیار مندرج در اصل ۱۵۸ قانون اساسی، دستور برپایی این دادگاه‌ها را صادر نمایند.

۵-۳. فنی بودن مسائل مربوط به دعاوی آبی

چندبعدی بودن دعاوی مربوط به آب و ناآگاهی بسیاری از قضات از مبانی اولیه حقوق آب موجب می‌شود بخشی از موارد نقض حق بر آب در تشکیلات قضایی اتفاق بیفتد. از این‌رو، گنجاندن درس حقوق آب در چارت درسی رشته حقوق در دانشگاه‌های کشور یا ایجاد گرایش جدیدی تحت عنوان حقوق مدیریت منابع آب در مقطع کارشناسی ارشد و پیش‌بینی چند واحد درس حقوق آب برای کارآموزان قضایی پیشنهاد می‌شود. مضافاً اینکه لازم است سطح آگاهی قضات با برگزاری کارگاه‌های حقوق بشری و آشنایی آن‌ها با مصادیق حقوق بشر و نحوه استدلال و استناد به هر یک ارتقا یابد.

۶-۳. غیربازدارنده بودن مجازات‌های جرایم آبی

آنچه از روند فزاینده آسیب به منابع آبی در کشور و به‌تبع آن نقض حق بر آب، علی‌رغم وجود تعداد زیاد قوانین مجازات‌کننده، واضح و مبرهن است آنکه این قوانین و مجازات‌ها به‌دلیل عدم کفایت، نتوانسته‌اند در انجام وظیفه بازدارندگی از ارتکاب جرم مؤثر باشند. مسئله‌ای که در حفاظت از منابع طبیعی رکن اساسی را تشکیل می‌دهد اقدامات پیشگیرانه است. بخش عمده‌ای از اقدامات پیشگیرانه به ترویج و آموزش حقوق بشر و مسائل تربیتی و فرهنگی بازمی‌گردد اما بخشی نیز به شدت و درجه مجازات‌ها مربوط می‌شود. به همین دلیل لازم است از مجازات‌های بازدارنده‌تری در جرایم مربوط به آب استفاده شود. بند (ث) ماده ۱ دستورالعمل تنقیح قوانین و مقررات قضایی صادره از سوی رئیس قوه قضائیه، این امکان را در اختیار قوه قضائیه نهاد که از طریق اداره کل تنقیح قوانین و مقررات، به شناسایی موارد نیازمند وضع قوانین و مقررات یا بازنگری آن و اعلام به مراجع مرتبط اقدام نماید. بنابراین، یکی از موضوعاتی که می‌تواند در دستور کار این اداره قرار گیرد، موارد نیازمند بازنگری در قوانین مربوط به جرایم آبی و یا تدوین پیش‌نویس لایحه‌ای در حوزه اصلاح مجازات‌های مربوط به جرایم در حوزه آب است. همچنین این اداره می‌تواند با نظارت و ارزیابی مستمر قوانین، در زمینه تنقیح قوانین آبی اقدام لازم را انجام دهد.

نتیجه

تقریر آب به‌عنوان یک حق بشری، موجد تعهد دولت‌ها به احترام، صیانت و ایفای آن است. این تعهدات سه‌گانه تنها محدود به قوه مجریه، به‌عنوان اولین متعهد تأمین و توزیع آب، نیست بلکه سایر ارکان حاکمیت ملزم به اتخاذ اقداماتی در راستای تحقق کامل این حق هستند. به‌رغم آنکه حق بر آب به‌طور مستقیم در قوانین اساسی و عادی کشور و حتی در میثاقین حقوق بشری بیان نشده است، اما برخی از اصول قانون اساسی کشور و مقررات قوانین عادی به‌طور ضمنی به این حق اشاره کرده و نیز لزوم تحقق بسیاری از حق‌های بشری لازم‌الاجرا از جمله حق بر حیات، حق بر بهداشت، حق بر حداقل شرایط استاندارد زندگی و حق بر محیط زیست سالم، شناسایی و اجرای این حق را ناگزیر می‌سازد. به‌ویژه آنکه بسیاری از تعهدات پایه‌ای حق بر آب مانند ضرورت تأمین و توزیع عادلانه آب پاک، حفظ منابع آبی از نظر کمی و کیفی، قیمت‌گذاری عادلانه آب در قوانین آبی کشور مورد توجه قانون‌گذار بوده است، ولی تحت عنوان مستقیم «حق بر آب» قرار ندارند.

علی‌ای حال، با وجود آنکه وظیفه قوه قضائیه به‌عنوان یکی از ارکان مهم حاکمیتی، عمدتاً در تضمین اجرای این حق نمود می‌یابد و زمانی به منصب ظهور می‌رسد که ارکان اجرایی، وظیفه خود را به درستی ایفا نکنند، اما تکالیف این نهاد، صرفاً به مرحله دادخواهی و زمان نقض تعهدات اولیه برآمده از این حق خلاصه نمی‌شود؛ بلکه قوه قضائیه قابلیت آن را دارد که از طریق برقراری ارتباط و همکاری مؤثر با نهادهای قانون‌گذاری، اجرایی و نیز عموم مردم، بستر لازم برای پیشگیری از نقض این حق و نیز نظارت مستمر بر اجرای صحیح قوانین مدیریت آب را فراهم سازد و از این طریق، ناظر و ضامن ایفای کامل حق بر آب شهروندان باشد. نکته قابل توجه حاصل از بررسی‌های به عمل آمده آن است که نظام حقوقی داخلی کشورمان در مدیریت منابع آبی، به چالش‌های متعددی دچار است که مهم‌ترین آن‌ها، تا به آن‌جا که به وظایف قوه قضائیه مرتبط است، مواردی چون عدم شناسایی صریح حق بر آب در قوانین داخلی، تورم قوانین و در عین حال ناکارآمدی آن‌ها، عدم وضوح نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند دادخواهی‌های آبی و فقدان وجود ساختارهای قضایی کارآمد برای عمل مؤثر، سریع و دقیق را شامل می‌شود.

به‌منظور رفع این چالش‌ها پیشنهاد می‌شود، ضمن پیش‌بینی مقرره‌ای در جهت شناسایی مستقیم حق بر آب، خیل قوانین پیچیده و پراکنده آبی کشور تنقیح شده و در یک قانون جامع تدوین و اصلاح شوند؛ با اجرایی کردن دستورالعمل ریاست محترم قوه قضائیه در موضوع نحوه مشارکت و تعامل سازمان‌های مردمی با قوه قضائیه، از ظرفیت این‌گونه سازمان‌ها برای ارتقای فرایندهای پیشگیری، نظارت و دادخواهی در قوه قضائیه استفاده شود؛ ایجاد ساختارهای قضایی مناسب مانند دادگاه‌های

آب، دادسرای حقوق شهروندی و دادستان اداری مورد ارزیابی قرار گیرد؛ به منظور ارتقای دانش و سطح آگاهی قضات از مباحث تخصصی حقوق آب، در سرفصل دروس رشته حقوق بازنگری صورت گرفته و یا گرایش جدیدی در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان حقوق مدیریت منابع آب تأسیس شود؛ همچنین نهادهای ذی ربط قوه قضائیه مانند مرکز آموزش قضات و ستاد حقوق بشر می توانند زمینه لازم برای آشنا ساختن قضات با مباحث اصلی حقوق آب و حق بشری به آب را فراهم نمایند.



منابع

- اقبالی، کیوان (۱۴۰۰)، «نقش دستگاه قضایی در نظارت بر تعلیق ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۴.
- تنگستانی محمدقاسم، مهدی مرادی برلیان و پرهام مهرآرام (۱۳۹۷)، گفتارهایی در باب نهاد دادستانی و احیای حقوق عامه، چاپ اول، تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- جلالی، محمد و کیوان صدقاتی (۱۳۹۳)، «سازمان بازرسی کل کشور: از تحدید قدرت تا تضمین حقوق بشر»، فصلنامه حقوق اداری، سال ۲، شماره ۵.
- جلالی، محمد، محمد حسنونند و ایوب میری (۱۳۹۶)، «تفکیک صلاحیت دیوان عدالت اداری و دادگاه عمومی در دعوی مسئولیت مدنی علیه دولت»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۱، شماره ۹۹.
- داعی، علی (۱۳۹۰)، «حق دادخواهی و جبران خسارت قربانیان نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، رساله دوره دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- دالوند، نعمت‌الله، امان‌الله علیمرادی و محمدعلی حیدری (۱۳۹۶)، «مسئولیت مدنی دولت در منابع آب بر مبنای قاعده اتلاف، لاضرر و احترام»، آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۶.
- دستورالعمل تنقیح قوانین و مقررات قضایی، ابلاغی از سوی ریاست قوه قضائیه (۱۳۹۸).
- دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه، ابلاغی از سوی ریاست محترم قوه قضائیه (۱۳۹۸).
- دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، ابلاغی از سوی ریاست قوه قضائیه (۱۳۹۷).
- راسخ، محمد (۱۳۸۸)، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، چاپ اول، تهران: دراک.
- رحمت‌اللهی، حسین و امید شیرزاد (۱۳۹۳)، «حق بر محیط زیست سالم در رویه قضایی دیوان عدالت اداری»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۳، شماره ۶.
- رشیدی، مهناز (۱۳۹۹)، امنیت آب در حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
- زندرضوی، بهار (۱۳۹۸)، «خواهان و خواننده، پرونده ویژه دادگاه آب»، دنیای پسته، سال ۴، شماره ۴۲.
- سادات اخوی، سیدعلی (۱۳۸۷)، «پیش‌نویس پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۴ آوریل ۲۰۰۸)»، فصلنامه حقوق، شماره ۴.
- سیفی، سیدجمال و هیوا حاجی ملا (۱۳۹۸)، «رهیافت‌های حاکم بر دادرسی‌پذیری حق بر سلامت در نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۱، شماره ۴.
- صبح‌دل، محمد (۱۳۹۶)، «جایگاه حقوقی قوه قضائیه در پیشگیری اجتماعی»، قانون‌یار، دوره ۴.
- عباسی، محمود، فاطمه افشاری، آرین پتف و پرویز دهقانی (۱۳۹۸)، حقوق شهروندی؛ از حقوق ملت تا احیای حقوق عامه، تهران: انتشارات حقوقی.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول، چاپ دوم، تهران: مؤسسه حقوقی شهر دانش.
- مرادی برلیان، مهدی (۱۳۹۶)، گزارش نشست علمی: «جایگاه و صلاحیت‌های نهاد دادستانی در نظم حقوقی

- ایران از منظر حقوق عمومی با نگاه ویژه به وظیفه احیای حقوق عامه»، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.
- مهرعلیان، اردشیر (۱۳۹۶)، «تطبیق سازمان بازرسی کل کشور با نهاد آمبودزمن و نهادهای مشابه آن»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۱۷.
 - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال بخشنامه شماره ۴۷۱۳۳/۴۲۱ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۱ و ۵۳۶۲۳/۴۲۴ مورخ ۱۳۶۶/۲/۱۴ وزارت نیرو، دادنامه شماره ۴۰۹، کلاس پرونده ۷۸/۳۸۲، مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.
 - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال مصوبه سی و ششمین جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۵ شورای اسلامی شهر ابوظیدآباد درخصوص آب بهاء، دادنامه شماره ۱۳۲۷ الی ۱۳۳۱، کلاس پرونده ۹۶/۶۹۷، ۹۶/۶۹۶، ۶۹۵/۹۶، ۶۹۴/۹۶، مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۳.

غیرفارسی

- “Drinking-Water”, WHO, 2019, retrieved 26/08/2019, from: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/drinking-water>.
- Albuquerque, Catarina de (2013). “Water and Sanitation Are Human Rights: Why Does It Matter?”, in: Boisson de Chazournes, Laurence; Leb, Christina and Tignino, Mara (eds.), **International Law and Freshwater, the Multiple Challenges**, Cheltenham, Northampton: Edward Elgar.
- Ansink, Erik (2009), “Game-theoretic Models of Water Allocation in Transboundary River Basins”, PhD dissertation, Wageningen University.
- CESCR (2002), General Comment No. 15: The Right to Water (Arts. 11 and 12 of the Covenant) Adopted at the Twenty-ninth Session of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, (Contained in Document E/C.12/2002/11).
- Fried, Charles (1987), **Right and Wrong**, Cambridge, Massachusetts and London: Harvard University Press.
- Lee, Jootaek, “Researching the Human Right to Water with an Annotated Bibliography”, Hauser Global Law School Program, 2019, retrieved 5/1/2020 from: https://www.nyulawglobal.org/globalex/Human_Right_to_Water.html.
- Obani, Pedi & Gupta, Joyeeta. (2016). “Human Security and Access to Water, Sanitation, and Hygiene: Exploring the Drivers and Nexus”, in: Pahl-Wostl, Claudia; Bhaduri, Anik & Gupta, Joyeeta (eds.), **Handbook on Water Security**, Cheltenham, Northampton: Edward Elgar Publishing.
- Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, (2008).
- UN Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR) (2010), “**The Right to Water**”, Fact Sheet No. 35, retrieved from: <https://www.ohchr.org/Documents/Publications/FactSheet35en.pdf>.